

بسمه تعالی  
**نهضت آزادی ایران**  
تاسیس ۱۳۴۰

**نامه به وزیر اطلاعات در مورد مصاحبه تلویزیونی ایشان**

شماره: ۱۴۰۶

تاریخ: ۶۹/۶/۲۲

**جناب آقای فلاحیان وزیر محترم اطلاعات**

جنابعالی در روز دوشنبه پنجم شهریور ماه طی یک مصاحبه تلویزیونی که به طور وسیعی پخش شد و در مطبوعات انحصاری دولتی منتشر گردید، در تشریح عملیات یکساله وزارت اطلاعات مطالب خلاف واقع و نسبتهای نادرستی درباره نهضت آزادی ایران (و جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران) بیان کردید و در مورد دستگیرشدگان نیز اتهاماتی را که هنوز در هیچ دادگاه صالحی رسیدگی نشده و به اثبات نرسیده و حکمی درباره آنها صادر نشده است عنوان نمودید که عملی خلاف قانون اساسی و احکام اسلامی و به دور از شأن حکومتی است که خود را جانشین حکومت عدل علی (ع) و الگوئی برای مسلمانان جهان می‌داند.

نهضت آزادی ایران لازم می‌داند که به عنوان حق طبیعی و خدادادی دفاع مشروع و نیز اعتراض به مطالبی که بر خلاف حق و حقیقت در مورد اهداف جمعیت که در منشور آن تصریح شده است و عملکردی که در بیانیه‌های آن منعکس است، اظهار داشته‌اید، نکاتی را تذکر دهد و به وظیفه قرآنی و قانونی امر به معروف و نهی از منکر اقدام نماید.

همچنین در گزارش فعالیت‌های وزارت اطلاعات تخلفات آشکاری به شرح زیر از حدود اختیارات و وظایف قانونی آن مشهود بوده است که ضرورت دارد به عنوان وظیفه و حق شرعی و قانونی، جنابعالی و مقامات اجرائی و قضائی کشور را آگاه سازیم و بخواهیم که در رفتار و گفتارتان تجدیدنظر نمائید.

ضمناً از شما انتظار داریم که به حکم انصاف و بر طبق قوانین ناظر بر رسانه‌های جمعی اجازه و دستور دهید که این جوابیه از طریق مطبوعات و صدا و سیمای جمهوری اسلامی منتشر گردد و به اطلاع ملت شریف ایران برسد.

### الف- موارد تخلف از حدود و وظایف قانونی

ماده ۱۰ قانون تاسیس وزارت اطلاعات مصوب ۶۲/۵/۲۷ در ۶ بند و ۲ تبصره وظایف وزارت اطلاعات را تعیین کرده است. ضمناً ماده ۴ همان قانون تصریح می‌کند که وزارت اطلاعات حق مبادرت به کارهای اجرائی در امور امنیتی را که صرفاً بر عهده ضابطین دادگستری است، ندارد.

موارد زیر از عملیات گزارش شده در هیچ یک از بندها و تبصره‌های ماده ۱۰ وجود ندارد:

۱- کشف و شناسائی و دستگیری اعضای باند بزرگی که اشیاء عتیقه و باستانی را از کشور خارج کرده و به فروش می‌رسانده‌اند. البته ما نیز مانند همه افراد علاقمند به حفظ میراث فرهنگ ملی ایرانی - اسلامی از این که جلوی غارت و چپاول گنجینه‌های ملی گرفته شده است خوشحالیم ولی اجرای این عملیات در چهارچوب وظایف قانونی وزارت اطلاعات نیست.

۲- «مبارزه با تروریستهای اقتصادی» و «جنگ فرهنگی با غرب»، که در عین ضروری بودن هیچ ربطی به وظایف وزارت اطلاعات ندارد.

ممکن است که وزارت اطلاعات در جریان اجرای وظایف قانونی خود و اکتشافات به مواردی از تخلفات از انواع فوق برخورد کند ولی بر طبق مفاد ماده ۱۰ مذکور موظف است که اطلاعات مربوط را در اختیار نهادهائی که قانوناً مأمور و مسئول این امور می‌باشند قرار دهد، نه آنکه خود رأساً بر خلاف قانون وارد مراحل اجرائی شود.

۳- دستگیری متهمین به جنگ روانی و ارتباط و همسویی با بیگانگان

شما در مصاحبه تلویزیونی خود اقرار و اعتراف به اقدام مستقیم در بازداشت‌های اخیر کرده‌اید. وزارت اطلاعات تنها می‌تواند، به موجب قانون، اطلاعاتی را که به دست می‌آورد در اختیار قوه قضائیه قرار دهد و حق ندارد کسانی را که به نظرش «مظنون» می‌رسند دستگیر کند، به بازداشتگاه‌های تحت مدیریت خود ببرد، در سلولهای انفرادی و تحت شرایط نامساعد و انواع فشارها قرار دهد، از آنها به زور

اقرار و اعتراف بگیرد، در استودیوهای ویژه خود از آنها فیلم تلویزیونی تهیه کند و قبل از آنکه محاکم صالحه دادگستری، بر طبق موازین قانونی، به پرونده وضعیت بازداشت شدگان رسیدگی کنند اینگونه اقرارها و اعترافات را منتشر سازد.

تذکر این نکته نیز لازم است که شما در مصاحبه پنجم شهریور ماه کلیه دستگیرشدگان را اعضای نهضت آزادی ایران و جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران اعلام نمودید، در حالی که برخی از آنها مانند آقایان مهندس عزت‌الله سبحانی و عباس قائم‌الصباحی - عضو هیچ یک از این دو گروه سیاسی و حقوقی نیستند و وجه مشترک آنها با بقیه دستگیرشدگان امضای نامه اردیبهشت ماه خطاب به آقای رئیس‌جمهور می‌باشد. در صورتی که بزعم وزارت اطلاعات ایرادی بر اهداف یا نشریات و گفتارهای این گروه‌ها وارد بوده و همین ایراد سبب بازداشت تعدادی از اعضای آنها شده باشد، علت دستگیری افرادی که عضو نهضت یا جمعیت نیستند چیست؟

#### ب- پاسخ اتهامات ناروا

اگر مصاحبه تلویزیونی وزیر اطلاعات ادعای علیه نهضت آزادی ایران (و جمعیت) تلقی شود، ایرادها و نکات اصلی این ادعای که مطالب و نشریات نهضت و جمعیت را گواه آنها گرفته‌اید به شرح زیر بوده است:

- ۱- جنگ روانی علیه ارزشهای انقلاب و علیه ملت مسلمان ایران
- ۲- حرکت در جهت تخریب برنامه‌های دولت و نظام جمهوری اسلامی
- ۳- جنگ روانی علیه مسئولان نظام جمهوری اسلامی
- ۴- حرکت در جهت دلسرد کردن مردم
- ۵- ارتباط با خارج کشور، ارتباط با آمریکا، ارتباط با محافظی از کشور و دولت آمریکا
- ۶- همسو بودن گفته‌های آنان با رادیوهای بیگانگان و ضد انقلابیون (هماهنگی تبلیغات آنان با رادیوهای بیگانه، به ویژه رادیو آمریکا)

در اطلاعیه روابط عمومی دادستانی انقلاب، اتهام دستگیرشدگان «ستون پنجم دشمن بودن در زمان جنگ» اعلام شده بود که نشان می‌داد اطلاعیه مذکور شتاب زده تهیه شده است و مطرح کردن چنین

اتهامی نه در زمان جنگ بلکه دو سال بعد از قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و در آستانه مذاکرات مستقیم صلح با رژیم بعثی عراق آن قدر بی‌اساس بود که مجبور شدید در مصاحبه تلویزیونی برای حفظ ظاهر آن را به کلی حذف کرده و پس بگیریید، که از این جهت باید ممنون بود.

بر طبق همین مصاحبه، پایه تمام اتهامات نادرست و بی‌اساس ششگانه فوق بیانیه‌ها و نشریات نهضت (و جمعیت) است. بنابراین همان طور که گفته شد بازداشت شدگانی که عضو نهضت یا جمعیت نیستند باید بی‌درنگ آزاد شوند و از آنها عذرخواهی شود.

و اما در مورد اتهامات نادرست فوق:

#### ۱- جنگ روانی علیه ارزشهای انقلاب

ارزشهای انقلاب اسلامی در دوران انقلاب در شعارهای مردم و در بیانیه‌ها و مصاحبه‌های رهبر فقید انقلاب و سپس در فصول سوم و پنجم قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸ منعکس و متبلور است. یکی از آرمانهای ملت ایران در انقلاب مشروطه و سپس در انقلاب اسلامی اخیر محو استبداد سلطنتی، خودکامگی، قانون شکنی و بی‌قانونی و تأمین حقوق و آزادیهای اساسی ملت بوده است. یکی از سه شعار و خواسته اصلی دوران انقلاب نیز «آزادی» بود و اتفاقاً شاخص‌ترین مطالبی که در اکثر نشریات نهضت (و جمعیت) تاکید و تکرار شده است، مبارزه با خودکامگی و تأمین آزادی و حاکمیت قوانین و احکام اسلام بوده است. حال، بر طبق کدام ضابطه شرعی یا قانونی، درخواست رسمی و علنی از حاکمیت برای اجرای اصول قانون اساسی، «جنگ روانی علیه ارزشهای انقلاب و مردم مسلمان ایران» تلقی می‌شود؟ کسانی که از نام «آزادی» و از مطرح شدن «حقوق ملت» و اجرای قانون اساسی واهمه دارند و شانه خالی می‌کنند علیه «ارزشهای انقلاب اسلامی» و علیه ملت مسلمان ایران ایستاده‌اند، نه کسانی که حقوق ملت را - که در قانون اساسی تصریح شده است - مطالبه می‌کنند!

آیا در جمهوری اسلامی ایران اصول مصرح در قانون اساسی در باب حقوق و آزادیهای ملت واقعاً اجرا شده است؟ چه فرد یا گروهی، به جز موافقین حاکمیت، اجازه و امکان گفتن، نوشتن و فعالیت دارد؟ نه تنها گروهها و شخصیت‌های غیرموافق با سیاست‌های حاکمیت اجازه فعالیت سیاسی ندارند، بلکه فشارها

و تضییقات سیاسی - تبلیغاتی به گونه‌ای است که حتی جناحهای مختلف درون حاکمیت نیز مصون از تعرض نیستند.

آیا کار جمهوری اسلامی به جایی رسیده است که اگر کسانی به خود جرأت دهند و طی نامه سرگشاده‌ای به رئیس جمهوری، با رعایت موازین ادب و احترام، اجرای قانون اساسی را بخواهند باید روانه زندان شوند و در معرض انواع تهمتهای بی‌اساس قرار گیرند و حق هرگونه دفاع نیز از آنان سلب شود؟ آیا به نظر شما مفهوم تحقق «ارزشهای انقلاب اسلامی» این است؟

## ۲- تخریب برنامه‌های دولت و نظام جمهوری اسلامی

اگر در نامه نود امضائی و یا در نشریات نهضت (و جمعیت) آمده باشد که نقش قانونی مجلس را نباید نادیده گرفت و آن را عملاً تعطیل نمود و یا این که وامهای خارجی باید به تصویب مجلس شورا برسد و یا اگر با دلایلی توضیح داده شده باشد که در شرایط حاضر دریافت وامهای خارجی به نفع ایران نیست آیا این مطالب به نظر شما (و حاکمیت) باعث تخریب برنامه‌های دولت است؟ آیا اظهارنظر مشفقانه و خیرخواهانه جمعی از دلسوزان مملکت و ملت تخریب برنامه‌های دولت است یا اعمال کسانی که با سوء استفاده از قدرتهای به دست آمده اموال عمومی را به سان ارث پدری، به دلخواه حیف و میل می‌کنند و از مصوبات مجلس و دولت تخطی می‌نمایند و برای آنها پیشیزی ارزش قائل نیستند و جمهوری اسلامی را مصداق بارز «یک شهر و صد کلانتر» نموده‌اند؟

## ۳- جنگ روانی علیه مسئولان نظام جمهوری اسلامی

کدام جنگ روانی و علیه کدام مسئولان؟ آیا اگر شهروندانی جرأت کنند و بنویسند که مثلاً وزیر اطلاعات حق ندارد برخلاف وظایف قانونی‌اش در امور احزاب که قانوناً به وزارت کشور محول شده است دخالت کند و یا اگر گفته شود که در شهر بزرگی مانند تهران با چند میلیون نفر واجد شرایط رأی دادن یک نفر نمی‌تواند با دویست هزار رأی - آن هم با مشخصاتی که هیأت نظارت بر انتخابات تهران اعلام کرد - به عنوان نماینده مردم تهران به مجلس راه یابد و یا اگر خواسته شود که سرپرست فلان «نهاد انقلابی» در وظایف قوه قضائیه یا سایر وزارتخانه‌ها دخالت نکند معنای اینها «جنگ روانی» است!؟

مگر آنکه بفرمائید که نصیحت، اظهارنظر، انتقاد و یا اعتراضهای قانونی به نظرات و اعمال مسئولان و متولیان کاری خلاف قانون و ممنوع است و جنگ روانی علیه دولت محسوب می‌شود. اساس منطقی شما چیست؟

#### ۴- حرکت در جهت دلسردی مردم

در اینکه مردم دلسرد شده‌اند و متأسفانه روزبه‌روز بر دلسردی آنان اضافه می‌شود و نشانه‌های آن را می‌توان در سیر نزولی میزان شرکت مردم در انتخابات، عدم حساسیت در برابر امور مهم و بی‌تفاوتی جوانان و دانشجویان نسبت به مسائل سیاسی به وضوح دید، تردیدی نیست. اما به قول مولوی گریه بچه از قیافه کنیزک است. دلسردی مردم از خیانتی است که احساس می‌کنند به آرمانهای انقلاب شده است، از انحرافات که در ارزشهای انقلاب رخ داده است از زیر پا گذاشتن مکرر و مستمر قانون توسط مسئولان، از تنگی معیشت، از فساد مالی برخی از نهادها و مراکز و شخصیتها و از بی‌اعتنایی حاکمیت به خواستههای مردم.

باید خیلی بی‌اطلاع و فاقد بصیرت بود که عوامل دلسردی فزاینده مردم را ندید. کمتر نطق قبل از دستوری در مجلس است که در آن از عوامل دلسردی مردم در درون دستگاههای حاکمه سخنی به میان نیاید. روزنامه‌های انحصاری حاکمیت نیز پر است از نمونه‌های متعددی از این عوامل دلسردی.

آیا بهتر نیست که به جای این گونه برخوردهای غیراصولی و بی‌پایه از حوادث عبرت بگیرید و به خود آئید و خویشتن را اصلاح کنید؟ بعد از حوادثی که در نیکاراگوئه رخ داد، رهبری سان‌دینیسیتها، برخلاف برخی از مسئولان ایران که آن چنان بیگانه‌زده هستند که ریشه هر مشکلی را نه در درون خود، بلکه در ورای مرزها جستجو می‌کنند، به ارزیابی پرداخته و ریشه‌های درونی شکست خود را شناخته و به شرح زیر جمع‌بندی کردند: (به نقل از کیهان هوائی مورخ ۶۹/۵/۲۴)

«رهبری سان‌دینیسیت بخش بزرگی از مسئولیت شکست را بر عهده گرفت. . . ما به شدت از پیروزی خود مطمئن بودیم. ما اطلاعات مربوط به از دست دادن پایگاههای انتخاباتی خود را مورد تجزیه و تحلیل قرار ندادیم و به آن توجه زیادی نکردیم. . .

خودکامگی، نداشتن حساسیت نسبت به نگرانیهای مردم، خفه کردن انتقاد، شیوه

دیوانسالارانه حکومت. . .»

آقای وزیر اطلاعات! آینه شکستن برای شما سودی ندارد، به قول معروف: «فکر نان کن که خربزه آب است!»

۵-ارتباط با خارج کشور، ارتباط با آمریکا، ارتباط با محافلی از کشور و دولت آمریکا.

آقای وزیر اطلاعات! این مطالب صرفاً ادعاهای شماست. در حالی که هنوز دستگیرشدگان در یک دادگاه علنی قانونی و با رعایت موازین قانونی محاکمه نشده‌اند. شما به چه حق و با کدام مجوز چنین حکمی را صادر کرده‌اید؟ شما حداکثر می‌توانستید بگوئید که بازداشت شدگان را به اتهام ارتکاب این یا آن خلاف دستگیر کرده‌اید. در صورتی که وزارت اطلاعات شواهد و مدارک محکمه‌پسندی در تأیید ادعاهای خود داشته باشد می‌بایستی آنها را بر طبق قانون در اختیار قوه قضائیه قرار دهد و این بر عهده یک دادگاه صالح است که موضوع را بررسی کرده و حکم را صادر نماید نه وزیر اطلاعات، آن هم در یک مصاحبه تلویزیونی!!

نهضت آزادی ایران همان طور که در بیانیه‌های قبلی خود اعلام کرده است مدعی نیست که اعضای نهضت (یا جمعیت) عاری از عیب و نقص و معصوم علی‌الاطلاق هستند و یا احیاناً به صفت فردی هیچ خطائی را مرتکب نشده‌اند. آنچه ما می‌گوئیم این است که:

هنگامی که دولت تصمیم خود را مبنی بر اجرای قانون احزاب اعلام کرد نهضت (و جمعیت) بر طبق قانون، پرسش‌نامه‌های مربوطه را از وزارت کشور دریافت و تکمیل کرده، همراه با اسامی و مشخصات اعضای رهبری خود به وزارت کشور تسلیم کردند. این وظیفه وزارت کشور - که به وضعیت حال و گذشته افراد اشراف دارد - بود که اگر در میان این افراد کسانی با سوابق نامطلوب، با توجه به مقررات تصریح شده در قانون احزاب، وجودی داشتند، می‌باید آن را رسماً اطلاع می‌داد.

در این زمینه در بیانیه مورخ ۶۹/۵/۳۱ نهضت تحت عنوان «هیأت حاکمه در نمایش ضعف» توضیحات بیشتری داده شده است.

ثانیاً پرونده این افراد باید به دادگاههای صالح ارجاع شود و آنان همان طور که رئیس قوه قضائیه اخیراً تصریح کرده‌اند بر طبق قانون حق انتخاب وکیل داشته باشند و در دادگاههای علنی که با حضور مردم تشکیل شود، محاکمه شوند (به نقل از روزنامه رسالت مورخ ۶۹/۵/۲۰).

### همسوئی و همصدائی با رادیوهای بیگانه و ضد انقلابیون

اولاً، شما بر طبق کدام اصل یا قانون این معیار را تعیین کرده‌اید؟ در هر مطلب یا امری از امور متنوع و متعدد که همه روزه از سوی مقامات مملکتی مطرح می‌شود این احتمال وجود دارد که بیان و موضع مقامات رسمی کشور با محافل و رادیوهای بیگانه همسو باشد. کجای این امر جرم است و با کدام معیار؟ آیا اگر دولت ایران تجاوز ارتش شوروی به افغانستان و یا تجاوز عراق به کویت را محکوم کند و در همان زمان دولتهای آمریکا، عربستان سعودی و... نیز همین کار را بکنند، دولت ایران مجرم به حساب می‌آید؟

آیا اگر نهضت آزادی ایران از مقامات مسئول جمهوری بخواهد که اصول قانون اساسی را اجرا کنند و قوانین و مقررات را زیر پا نگذارند و همزمان با این درخواست نهضت، یک نهاد بین‌المللی هم اعلام کند که در ایران قانون اجرا نمی‌شود، این نوعی همسوئی است و بزعم شما جرم محسوب می‌شود؟

اگر قانون اساسی ایران صراحت دارد که متهمین حق انتخاب وکیل را دارند و محاکمه باید علنی باشد و رئیس قوه قضائیه هم بر آن تاکید ورزند و همزمان، مثلاً رادیوهای خارجی و «عفو بین‌الملل» هم همین مسئله را مطرح کنند لابد بزعم شما رئیس قوه قضائیه با رادیوها و محافل بیگانه همصدا و همسو شده است! در این زمینه نیز در بیانیه «هیات حاکمه، در نمایش ضعف» مفصلاً توضیح داده شده است.

این چه منطقی است که شما به عنوان وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی در یک مصاحبه رسمی ابراز می‌نمائید؟!

ثانیاً، شما مدعی شده‌اید که محتوای بیانیه‌های نهضت (و جمعیت) نمایانگر همسوئی با ضد انقلابیون است. باید به آنچه که در بالا گفتیم اضافه کنیم که نه تنها چنین نیست بلکه عکس آن صادق است. عدم تحمل آراء و نظرات گروههای غیرموافق با حاکمیت و برخورد خصمانه با آنان دقیقاً در جهت استراتژی گروههای ضد انقلاب و طرفدار براندازی است.

استراتژی نهضت آزادی ایران که بر اساس فعالیت سیاسی علنی در چهارچوب قوانین کشور و در راستای اصلاح کژیها و کاستیها و انحرافات است مستمرا از سوی گروههای ضد انقلاب آماج شدیدترین حملات بوده است و می‌باشد. این موضوع در گفتارهای رادیویی و نوشتارهای آنان به طور گسترده‌ای منعکس است و قطعاً وزارت اطلاعات و سایر نهادهای دولتی به خوبی از آن آگاه می‌باشند.

به عنوان نمونه، پس از انتشار نامه نود امضائی خطاب به رئیس جمهوری، نشریه کیهان هوایی به نقل از چهار گروه حزب دمکرات کردستان، حزب دمکراتیک مردم، سازمان فدائیان خلق (اکثریت) و سازمان فدائیان نوشت:

«تقاضای محدود انتشار دهندگان نامه سرگشاده درباره آزادی» «احزاب و جمعیت‌های سیاسی و مطبوعاتی که فعالیت قانونی و علنی دارند» «با ایده طرفداری از دمکراسی و آزادی فعالیت‌های سیاسی تمامی نیروهای سیاسی ناسازگار است».

نشریه کیهان هوایی که در حمله به نهضت آزادی با ضد انقلاب همسو و هم‌آواز است تحت عنوان «فعالیت‌های اخیر لیبرال‌های داخلی و نامه پراکنی آنان» از نشریه «اتحاد کار» ارگان سازمان فدائی چنین نقل می‌کند:

«هیچ چیز مثبت و ملموسی ولو در چهارچوب رژیم جز از راه مبارزه مردمی امکانپذیر نبوده و جز از راه تداوم این مبارزه قابل دوام نیست. اما لیبرالها عمدتاً به بالا چشم دوخته‌اند و آنجا هم که سخن از مبارزه مردم به میان می‌آورند پیشاپیش به آنها هشدار می‌دهند که پا را از چهارچوب قانون فراتر نزنند. کدام مبارزه و کدام فعالیت از دید سردمداران جمهوری اسلامی قانونی است؟ هیچ».

ما از مردم بی‌طرف و منصف درخواست می‌کنیم قضاوت کنند که چه کسانی آب به آسیاب ضد انقلاب می‌ریزند: نهضت (و جمعیت) که در نشریات خود مرتباً اجرای قانون اساسی، تحقق آرمانهای انقلاب و پایبندی به ارزشهای انقلاب اسلامی را طلب می‌کنند؟ یا آنهایی که اقداماتشان مخالفت آشکار با قانون اساسی و قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی دارد و کسانی که با تمام قوا جلوی هر اقدام قانونی سیاسی علنی را سد می‌کنند و قانون احزاب را در مورد مخالفان حاکمیت به اجرا نمی‌گذارند و

امضا کنندگان یک نامه ساده را بازداشت می‌کنند و به عبارت دیگر رفتار و گفتارشان در جهت تایید و اثبات نظر و استراتژی ضد انقلاب است؟

ما با صراحت اعلام می‌کنیم که در نشریات نهضت (و جمعیت) مطالبی خلاف قانون و یا از نوع مطالب مورد ادعای وزارت اطلاعات وجود ندارد. این نشریات تماماً به طور علنی منتشر می‌شود و از همه آنها نسخه‌ای به وزارت کشور که قانوناً مسئول رسیدگی به امور احزاب است ارسال می‌گردد. اگر مطلب یا مطالبی در این نشریات وجود می‌داشت که می‌توانست تخلف از قانون تلقی شود و یا از نوعی که شما در مصاحبه خود مدعی شده‌اید می‌بود وزارت کشور می‌توانست بر طبق قانون احزاب عمل کند. نمایندگان نهضت (و جمعیت) رسماً به وزارت کشور معرفی شده‌اند و وزارت مذکور می‌توانسته است که اول شفاهاً و سپس کتباً به آنها تذکر دهد ولی تا کنون هرگز چنین مطالبی عنوان نشده است.

پس از تغییرات اخیر در قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ وزارت کشور از همین نمایندگان خواست که کتباً مواضع خود را نسبت به اصول جدیدی که به قانون اساسی اضافه شده است به وزارت کشور اطلاع دهند و آنها نیز چنین کردند.

آقای وزیر اطلاعات، شما بهتر بود که به جای کلی گوئی و استفاده از شیوه‌هایی که در قرآن کریم به حکم » « منع شده است چند نمونه از بیانیه‌ها را می‌خواندید و قضاوت نهائی را به مردم و دادگستری واگذار می‌کردید نه آنکه خودتان قضاوت کرده، حکم صادر نمائید.

\* \* \*

شما در مصاحبه خود گفته‌اید که بر اساس اقاریری که از بازداشت شدگان گرفته‌اید افراد دیگری را نیز بازداشت خواهید کرد.

بر طبق مقررات، وزیر اطلاعات باید مجتهد باشد. ما بر آن نیستیم که مدارج علمی - فقهی شما را ارزیابی کنیم، ولی شما در هر مرحله‌ای از تحصیلات باشید قاعدتاً می‌بایستی با قرآن و اخبار و احادیث مورد قبول شیعه آشنائی داشته باشید. شما خوب می‌دانید که اقرار متهم در زندان - چه تحت فشار باشد و چه نباشد - معتبر نیست. به عنوان مثال، چند نمونه را که در بیانیه قبلی نقل کرده بودیم ذیلاً تکرار می‌کنیم:

چند نمونه از روایات عدیده استخراج شده از کتب معتبر شیعه:

۱- از ابی عبدالله (ع): امیرالمومنین علی (ع) فرمود «

«(الوسائل، باب ۷)

۲- از علی (ع): . (کتاب الحدود،

فصل ۵)

۳- از علی (ع): از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: «

. (مسند زید - کتاب الحدود)

۴- ابو عبدالله (ع) فرمود:

. (الجعفریات)

با این معنا و مفهوم کلی که: کسی که در زندان یا به زور یا تهدید یا کتک اقرار به جرمی کند  
اعترافش ارزشی ندارد و نمی‌توان درباره او مجازاتی اعمال کرد.

حال چگونه است که شما بی‌اعتنا به موازین شناخته شده فقهی نه تنها برای این قبیل اعترافات - که  
هم خودتان می‌دانید و هم مردم می‌دانند که چگونه به دست آمده است - ارزشی قائل شده‌اید بلکه تهدید  
کرده‌اید که بر اساس این اقرار افراد دیگری را نیز بازداشت خواهید فرمود؟!!

بعلاوه، بیان همین مطلب که بر اساس اطلاعات جدید دریافتی از دستگیرشدگان، دیگران را هم  
دستگیر خواهید کرد خود اعتراف ضمنی به زیر فشار گذاردن بازداشت شدگان و دریافت اقرارهای  
تحمیلی می‌باشد که خلاف نص صریح قانون اساسی است.

\* \* \*

مصاحبه شما حکایت از دخالت اجرائی و عملی وزارت اطلاعات در بسیاری از شئون مملکت و دست  
زدن به اقداماتی که در قانون تاسیس وزارت اطلاعات نیامده است، دارد.

با توجه با وظائف گسترده وزارت اطلاعات در جمع‌آوری و حراست اطلاعات، اگر این وزارتخانه پا  
را از گلیم قانونی خود فراتر گذارد و علاوه بر جمع‌آوری اطلاعات و انتقال آنها به مقامات و نهادهای

نیربط، خود رأساً به بهره‌گیری از آنها و عملیات اجرائی بپردازد خطر بزرگی همگان را تهدید خواهد کرد. تجربه تاریخی و پیامدهای اسفناک عملکرد نهادهای اطلاعاتی در سایر کشورها به اندازه کافی هشدار دهنده می‌باشد.

\* \* \*

از خداوند سمیع، علیم و حکیم اصلاح امور مسلمین را خواستاریم و توفیق خود و همگان را در اجرای آنچه موجب رضای حق و مصلحت ملک و ملت است مسألت می‌کنیم.

نهضت آزادی ایران

تهران - ۲۲ شهریور ۱۳۶۹